

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه عصر (دوم)

تخم مفهومی استادانوت ۹۵/۸/۱

برای سلامتی خودتان صلواتی بفرستید.

برای اینکه خداوند به اعمال ما جاودانگی و برکت دهد صلواتی بفرستید.

جلسه قبل بحث پیرامون صبر بود. قصدمان این بود که در این جلسه سوره مبارکه تکاثر را کار کنیم، دوستان چند کار پژوهشی راجع به صبر انجام دادند که نشان خواهند داد. اغلب در این کلاس باید شأن پژوهشی حفظ شود.

بررسی یک سوره وقتی به سمت پژوهش یا تحقیق می‌رود - که بر روی اسم گذاری آن هم نظرانیست - به هر حال مفهومی به عنوان تفقه در دین است. واژه درست این کار، تفقه در دین است که در اصل یعنی فهمی در فقه به کار برده شود به گونه‌ای که هست و نیست را فهم و کشف کند. ممکن است برای خودش کار کند و ممکن است قلمروی آن برای جامعه باشد.

اگر کسی قرار باشد تفقه کند:

(۱) برخی وقت‌ها میل به هست و نیست‌ها پیدا می‌کند. این موارد بنیادی است.

(۲) گاهی به باید‌ها و نبایدها میل می‌کند که نوعا مهارتی هستند.

گاهی ممکن است هست و نیستی در باید و نبایدها گفته شود که جنبه باید و نباید به خود می‌گیرد. این به معنای این نیست که وقتی می‌گوییم «هست و نیست» پس «باید و نباید» ندارد، و برعکس.

در باید و نبایدها محل و بستر و مرتبه اهمیت ویژه پیدا می‌کند. اساسا باید و نباید هست و نیستی است که در مرتبه است.

اساساً امر و نهی همان هست و نیست در یک مرتبه خاص است و ماهیتی غیر آن هم ندارد. چون هست و نیست در یک مرتبه‌ای مشخص می‌شود از آن باید و نباید فهم می‌شود.

بنابراین در بایدها محل و بستر مهم است. اگر خواستید کار مهارتی کنید باید به سن و جنسیت و شأنیت و... مخاطبتان دقت داشته باشید.

ممکن است بگویید: سطحی از مباحث را در نظر داریم که؛ جنسیت در آن مطرح نیست به این گونه است که این تحقیق بنیادی است.

وقتی از شما خواستند که کار مهارتی انجام دهید اول باید مخاطب و محل و بستر را در نظر بگیرید و حقایق قرآن و روایات را در قالب آن بریزید.

در تحقیق بنیادی، مثال کم وجود دارد، سنگین است و ذهن مخاطب را روی مطالب بنیادی می‌آورد. لزومی ندارد هر کسی کتاب بنیادی را بخواند. متخصصی که می‌خواهد تفقه کند او باید کتاب بنیادی را بخواند.

وقتی کتابی مهارتی می‌شود، مخاطب و محل و بستر آن به مطالب حدّ می‌زنند یعنی شما نمی‌توانید خیلی چیزها را بگویید و بایستی ذهنیت‌های او در نظر گرفته شود و ذهن فرد نباید به سمت منفی برود و باید حداقل تبعات را داشته باشد. مثلاً شما یک مطلبی را با مثالی بیان می‌کنید که مخاطب به یاد مشکلاتش می‌افتد و به جای اینکه کتاب بخواند وارد خاطراتش می‌شود.

بنابراین کسی که مهارتی می‌نویسد بایستی با مردم حشر و نشر داشته باشد و وارد زندگی آن‌ها شود و به نوع زندگی و ذهنیت‌هایشان تسلط داشته باشد.

گاهی یک مساله مهارتی می‌خوانند و همزات‌پنداری می‌کنند که سبب می‌شود مطلب گم شود. زندگی با مردم نیز در کنار ذهنیت برای نوشتن کتاب‌های مهارتی لازم است.

مسائل مبتلابه یک روستایی با یک تهرانی متفاوت است و اگر کسی می‌خواهد چنین کتاب‌های مهارتی بنویسد باید با مردم زندگی کرده باشد و بتواند برآیند زندگی مردم را احصاء کند. البته این‌ها مواردی است که می‌تواند احصاء شود.

کسانی که می‌خواهند کار مهارتی کنند، باید هر مطلبشان:

(۱) به هست و نیست یا قانون متصل شود.

(۲) گفته شود که برای چه مخاطبی است؟

(۳) در چه بستر یا محلی است؟ گفته شود که برای این مخاطب با این رنج سنی مربوط به فلان بستر (بطور مثال؛ مدرسه یا خانه) است. تفاوت بستر با محل؟ محل عینیت دارد، مثلا فلان روستا. بستر مقداری انتزاعی تر است. مثلا خانواده، فامیل و غیره است.

(۴) در چه مرتبه از جنس و علم واقع می‌شود.

این موارد جمع‌بندی می‌شوند، شناسنامه تهیه می‌شود و کار مهارتی بر مبنای آن انجام می‌شود.

شیوه ارزیابی مهارت‌ها نیز چنین است. باید بداند که این کتاب در چه بستر و مخاطب، چه جنس و چه علمی است؟ ما کاری نداریم با کارهای مهارتی که در سطح دنیا انجام می‌شود، ما در سیر پژوهش‌های قرآنی افتاده‌ایم و منظورمان این است.

در کار ما لازم است که در همه سطوحش روایت داشته باشد یا شبه روایت (دلالت روایتی) یعنی هیچ مطلبی را فرد نویسد مگر آن که در آن دلالت قرآنی یا روایی باشد.

ممکن است کسی بگوید که این امکان ندارد، گاهی برخی مسائل موضوع روایت نبوده است. بایستی موضوع تحلیل شود و متناسب با آن روایت یا آیه بیاید و اگر چنین نباشد خودرأیی می‌شود. بیشترین حکام جور در عرصه باید و نباید ورود می‌کنند و آن را به خورد جامعه می‌دهند.

پس برای هر باید و نباید لازم است که یک سندی در ذهن نویسنده باشد.

مثلا می‌خواهیم نماز را مهارتی کنیم، برای سنین ۱۰-۷ سال، مهارتی‌اش این است که بچه ۷ ساله را بیدار کنیم یا نه؟ اگر می‌خواهیم بیدار کنیم چه داستانی سرهم کنیم که بیدار شود؟

این که گفتیم ۷ سالگی، از روایات آمده که باید از ۷ سالگی بچه را به نماز وادارید، پس از این جا شروع می‌شود.

اینکه من نوازشش کنم یا این که چه بگویم که بیدار شود و این موارد و گزینه‌های ترغیب و... که تابع قانون دیگر است. باید قانونش را بدانید و سندش را احصاء کنید.

آیا می‌شود که بچه‌های زیر سن بلوغ را تشویق مادی کنیم؟ باید دلیل داشته باشید تا این حرف را بگوئید.

آیا می‌شود بچه را در این سن، تهدید کرد؟ ممکن است که بگوئید؛ تهدید در این سن را در روایات نیافته‌ایم. پس باید نظام تشویق، ترغیب و مجازات قواعدش استخراج شود.

با این احتساب می‌توانید بگوئید که کتاب مهارتی نوشتن از کتاب بنیادی نوشتن بسی سخت‌تر است. کتابهای بنیادی استخراج می‌شود تا کار کتاب‌های مهارتی راحت‌تر شود.

کتاب‌های مهارتی باید به گونه‌ای طراحی شود که تشویق و مجازات آن طبق روایات باشد، نه اینکه طبق ذهنیت نویسنده باشد.

حتی اگر قاعده را به گونه‌ای بیاورید که مخاطب مهارت را طبق فهم خودش عمل کند، باز هم اشکال دارد. مثلا اول دبستان غلبه با بازی است و بعدش هم داستان می‌آید و پیش می‌رود.

در یک قاعده‌ای باید اقتضائات سنی را استخراج کرد. مثلا راجع به حسن خلق یا صبر؛ می‌خواهید این موارد را برای ۷ سال اول یا دوم بصورت مهارتی تعریف کنید، این‌ها یک سری روایت و آیه دارد که در سطح «هست و نیست‌ها» می‌رود و اقتضائاتشان گرفته می‌شود.

کلیه مواردی که مربوط به بلوغ عاطفی است در سنین دیگر خاموش می‌شود.

در حال حاضر کتابی پیرامون مبانی تشویق و تنبیه باشد نداریم، البته آقای اعرافی (حفظه‌الله) یک کتابی در این باره دارند، البته کتاب‌هایشان هم در حال چاپ است.

اگر کتابی براساس هست و نیست حقیقی نباشد، پس حتما بر هست و نیستی دیگر بنا شده است!

گاهی مواردی را با تجربه فرا می‌گیریم مثلا تربیت در مدارس ژاپن، باید فرض‌ها را تولید کرد، در آن بنیادهای اسلامی را یافت و به آن صورت بیان کرد.

مثلا صبر زینت هر عمل است. اگر خواستی عملت زینت داشته باشد لازم است صبر داشته باشی. صبر کاری مطابق با طاقت و استطاعت را بصورت مستمر انجام دادن تا رسیدن به نتیجه است. پس اگر خواستی عملت زینت داشته باشد لازم است کاری را قبول کنی که در طاقت و استطاعتت باشد. اگر خواستی عملت زینت داشته باشد لازم است که کارت را استمرار ببخشی و کارهایی که موجب تزاحم با آن است را نپذیری. برای تک تک این موارد باید روایت داشته باشید.

پرسشنامه

موارد	درصد
کارهایی را برمی دارم که در طاقت من باشد.	مثلا ۵۰٪
...	
...	
...	

حرکت ما به سمت روایات و اهل بیت (علیهم السلام) نیست. گاهی می گوئیم که حضور روایات کم است، ولی الان باید بگوئیم که نه تنها حضور روایات کم است بلکه حرکت و شتاب ما به سمت آنها هم کم است.

### پژوهش بنیادی

کار وقتی بنیادی می شود، شکوهش بیشتر می شود.

- وقتی یک حقیقتی کشف هست و نیست هایش است به گونه ای نظام موضوعی درست می کند و نظام مسائل مطرح می شود، می تواند به سند بالادستی، راهبردی و تخصصی تبدیل شود. سندها در این قسمت بررسی می شود. مثلا سند صدا و سیما.
- در این قسمت است که نظام فقاقت ایجاد می کند. اگر سندی نتواند نظام فقاقت تولید کند، اسمش سند نیست.
- پژوهش بنیادی به سرعت فقیه در کشف حکم کمک می کند.

وقتی مثلا یک کار بنیادی انجام می‌شود، باید بتواند بگوید که تشویق و تنبیه روی تفکر، تعقل، رشد و .... چه تاثیری می‌گذارد؟! وقتی سند؛ تفکر، رشد و تعقل داشته باشد بلافاصله سوال را در آن‌ها جای می‌دهد و در کمتر از ۵ دقیقه پاسخ می‌دهد.

در نظام فقهت، آنچه که مهم است استدلال و استنتاج و سرعت در این کار است. گاهی کسی فقیه است، استدلال هم دارد، اعلم هم هست ولی اسرع نیست! صرف اعلم بودن نمی‌تواند کاری کند.

هوایم‌ای آمریکا در آسمان ایران دیده شده است، آیا بزیمش؟! باید سرعت فقهت داشته باشد و اینکه بداند که در نظام مراتب و مسائلش چه قانونی مد نظرش بوده است.

نظام الهام به دلیل وجود این استدلال و استنتاج تعطیل شده است. فقیه باید کامل با سند منطبق باشد، هر چند که شاید الهام به او شده باشد ولی این الهام باید حتما براساس نظام فقهت انجام شود.

خداوند شیعه را طوری قرار داده است که تا نظام تفکر و تعقل و نظام سیستمی خود را فعال نکنند دیگر خبری از الهام و غیره نیست.

ما مامور به انجام کار به درستی هستیم، مامور به اینکه نیاز جامعه این است و ما باید سریعاً کارهای مهارتی کنیم، نباید ما از مسیر اعتدال خارج شویم. با صبر باید پیش رفت.

### **یک پیشنهاد:**

اگر بتوانید مباحثه‌های برخی کتاب‌ها را تشکیل دهید، یا یک سری کتاب‌های صوتی درست کنید عالی است. مثلا تصنیف غرر را صوتی کنید. روایات باید سمعی شوند، باید به گوش‌ها برسند. کتاب‌هایی چون نهج البلاغه (بیشتر حکمت‌ها)، یا تحف‌العقول بسیار خوب هستند. بچه‌های انتشارات وارد کتابهای صوتی شده‌اند و فراخوان همکاری داده‌اند.

تحف‌العقول برای شروع بسیار خوب است زیرا از همه سخنان و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) در آن آمده است.

برخی موضوعات در ذات خودشان به مباحث بنیادین نزدیک‌اند و برخی به موضوعات مهارتی، مثلا صبر به موضوعات مهارتی نزدیک است. وحی، کتاب و یقین یک موضوع بنیادین است. این بحث را از این جهت مطرح

می‌کنیم که شاید برای یک‌بار همیشه بیشتر نتوانیم راجع به این موضوعات صحبت کنیم. برخی موضوعات نسبت به برخی دیگر مهارتی‌ترند. بهتر است کسانی که می‌خواهند مهارتی کار کنند بهتر است که اول از موضوعاتی که در طبعشان مهارتی است کار کنند.

### سه دسته موضوع:

(۱) نزدیک به مهارتی

(۲) نزدیکی به بنیادی

(۳) فی مابین بنیادین و مهارتی (مثل ایمان)

موضوعاتی که مهارتی هستند، لازم است که اصول آن موضوع از قرآن استخراج شود، معنای آن هم از قرآن استخراج شود. بهتر است برای معنانشناسی و فرآیندشناسی موضوعات از قرآن استخراج شود. خود موضوع، خاصیتش نزدیک به مهارتی است، ولی چارچوب باید از قرآن استخراج شود. ما هر چه که راجع به صبر بگوییم تبدیل به کاربرد می‌شود.

از قرآن راجع به معنای صبر دو مسیر داشتیم،

• صبر در قرآن با این ۳ مولفه استخراج شد:

(۱) طاقت و استطاعت

(۲) اتصال به حق

(۳) استمرار تا نتیجه

اصول این ۳ مورد هم از قرآن استخراج می‌شود.

• یکی دیگر از دستاوردهای ما خود سوره مبارکه عصر است.

براساس سوره مبارکه عصر، صبر:

(۱) از یک طرف با حق،

(۲) عصر (زمان، یا نتیجه و عصاره)

(۳) از یک طرف با توأسی

(۴) از طرفی با ایمان

(۵) و عمل صالح مرتبط می‌شود.

پس یک نمودار هم در سوره عصر داشتیم. در سوره عصر، صبر به معنای استحکام درونی معنا شد.

پس فرد چون متصل به حق است صبر می‌کند، عمل صالح قوامش به صبر است، پس یک چرخه هم در سوره داریم. این بستگی دارد که عصر را زمان و بستر بگیرید یا نتیجه، که مفصلاً در جلسات قبل راجع به آن صحبت کردیم. چرخه ساختاری صبر، که خوشبختانه این چرخه در سوره عصر ذکر شده است زیرا گاهی برای یک موضوع باید در چند سوره آن را دنبال کرد، که خدا رو شکر این صبر در یک سوره به طور کامل آمده باشد. باید بتوانید در این سرستون‌های صبر روایات را جایگزین کنید، گاهی باید طاقت را بالا ببرید، گاهی اتصال به حق و غیره.

با این احتساب می‌توان یک جدول با ۸ ستون کشید، این موارد اصول و هست و نیست‌ها هستند و هر کدام از این موارد با یک مولفه رابطه پیدا می‌کند.

مثلاً در دوره دوم رشد، دوره افزایش استطاعت است و دوره سوم رشد، اتصال به حق مهم می‌شود.

**ارائه خانم شهیدزاده راجع به روایات صبر:**

بررسی حدود ۱۸۰ روایت در ستون‌هایی با موضوعاتی از سرستون‌ها به شرح ذیل:

**چیستی صبر:**

• الصبر راس الایمان

• الصبر ثمره الایمان



این دو روایت حالت چرخه‌ای صبر را بیان می‌کنند. هر وعده نماز یک ایستگاه است، وقتی نماز ظهر و عصر را به هم نزدیک می‌کنیم یعنی ایستگاه‌ها را بهم نزدیک کرده‌ایم. ایستگاه در روایات و اذکار بسیار آمده است.

## اقتضاء شناسی

### اتصال به حقیقت

و غیره.

### توضیح استاد و ادامه مباحث:

عصر، به معنای اُسوه‌سازی برای صبر است و این‌ها یعنی نبلو. گاهی در بررسی‌های روایی می‌بینید که برخی روایات در این ۸ دسته جای نمی‌گیرند، که می‌توان گفت: بررسی‌شان نمی‌کنیم، ممکن هم هست که بگوید: باید نمودار سوره عصر را مجدداً بررسی و تجدید نظر کرد.

۶۳۱۲ الصَّبْرِ كَفِيلٌ بِالظَّفْرِ (۱ / ۱۹۵)

صبر عاملیتی دارد و به ظفر رسیدن را کفالت می‌کند. این‌ها تحلیل روایی لازم است. صبر از ظفر جلوتر است پس ظفر نتیجه‌ای‌تر است، پس این باء، باء تجلی و روشنایی بخشی است. صبری که کفیل است چراغ ظفر را می‌روشناید.

ظفر را یک جریان می‌داند و کفالتش را به صبر می‌داند. باء را به ظفر داده تا ارزش ظفر را پایین‌تر نیاورده باشد، در عین حال کفیل را با صبر آورده است. «صبر باشد تو را بس است که به پیروزی برسی» این هم ترجمه خوبی است. این روایت می‌تواند در قسمت «استمرار تا نتیجه» بیاید.

برای مهارتی کردن این نکته باید به این توجه کرد که باید در ابتدا صبر و کفیل و ... را در معنای عرفی معنا کنیم و بعد از آن وارد داستان و قالب‌های دیگر کنیم.

۶۲۹۵ مَنْ ادَّرَعَ جُنَّةَ الصَّبْرِ هَانَتْ عَلَيْهِ النَّوَابِ (۵/۳۴۶)

هر کسی سپر صبر را به تن کند، سختی‌ها بر او خوار می‌شود. این مورد در «بالا بردن طاقت» جای می‌گیرد برای اینکه طاقت نسبت به مشکلات را مهارتی کنید؛ مثلاً زره انسان را از تیر و کمان حفظ می‌کند، وقتی بزرگ‌تر می‌شود چادر مانع بسیاری از مشکلات است.

وقتی کسی می‌گوید که مشکل دارم، می‌گوییم زره بیوش، این یعنی چه؟ کسی که دارد تولید مهارت می‌کند، باید نواب برای مخاطب خرد و خاکشیر شود، بت سختی باید برایش بشکند. مثلاً مشکلات را این طرف و آن طرف می‌اندازم و غیره.

من باید یک کاری کنم که مشکل برایش بسیار کوچک شود. غایت کاری که می‌تواند انجام دهد این است که طاقتش را بالا ببرد، از طریق پایین بردن مشکلات.

این روایت هم سناریو و داستان دارد و هم می‌گوید چطور بگویی!

هانت علیه النّوَاب:

اولین مرحله این است که، بگوییم که شما از یک نواحی آسیب می‌بینید، مثلاً نشستن بیش از اندازه در یک مجلسی آسیب می‌زند، پس اعراض کن. پس مناطق آسیب را بشناس و از آن‌ها اعراض کن.

حالت دوم این است که بایستی برای فرد روشن شود که شما در این دنیا آمده‌ای که بجنگی، برای راحتی نیامده‌ای، رویکرد به سختی باید عوض شود. ابتلاء و مشکلات انسان را بالا می‌برد، باید با مشکلات مواجهه شد. پس فکر مقابله با مشکل را برای او ایجاد می‌کنیم. علت شکست صبر، عدم علم در موارد غیر قابل پیش‌بینی است.

این روایت را برای بچه ۸ ساله بخوانید.

انسان‌ها استعدادهای زیاد و متنوعی دارند، برخی استعدادشان تولید مهارت است، از هر ۱۰۰ تا ۲ نفر می‌توانند این‌گونه باشند. و سریع داستان و جریان می‌گویند. ۲٪ هم هستند که سریعاً به ذهنشان می‌رسد که هر کاری را چیه انجام می‌دهند. ۱٪ هم وسط هستند.

برای سرعت مهارت بهتر است که آدم‌های ۲٪ و ۱٪ را پیدا کنیم. بعضا از حرف‌هایی معمولی آن‌ها هم می‌توان کتاب نوشت. یعنی در خرد جمعی می‌توان این بحث را باز کرد.

بزرگ کردن مقاومت و قدرت برای یک بچه هم می‌تواند یکی از مصادیق مهارتی این کار باشد. تقویت اهداف و مقاصد و بالا بردن طبع فرزند برای رسیدن به مقاصدش مهم می‌شود.

نوائب در روایات به معنای ناگواری است، به معنای مطلق ناگواری است که موجب مشکلات رفتاری و افت عملکرد می‌شود. نوائب برای بچه‌ها، غیرقابل تحمل شدن یک کلاس می‌شود. نائبه یعنی مسیر زندگی را مختل کردن. مهارت‌هایی که بر طاقت‌افزایی و استطاعت است، در اولویت هستند.

این روایت، تا داستان سناروی جنگ می‌تواند وارد شود. ولی محور اصلی و سرستون از آیات باید باشد. به طور کلی باید بدانیم که این روایت می‌گوید که باید شجاعت و طاقت کودک بیشتر باشد.

مراره الصبر تذهبها حلاوه الظفر:

به نسبت ظفری که می‌توانید برای او درست کنید می‌تواند حلاوت داشته باشد و می‌تواند صبر کند.

قانون: هر کسی بتواند مقاصدی تعریف کند که آن مقاصد برایش لذت بخش باشد به همان نسبت می‌تواند بر مرارت‌ها صبر کند.

#### یک پیشنهاد:

۱۰ دقیقه شما را با چند روایت تنها می‌گذارم. هر کدام را هر کسی خواست انتخاب کند:

(۱) از آن اصل و قانون استخراج کند.

(۲) فهمش از روایت

(۳) یک مهارت از آن استخراج کند.

(۴) یک سناریو یا داستان یا مواجهه

## مفتاح الظفر لزوم الصبر

(۱) **فهم روایت:** پیروزی کلیدی دارد که آن کلید همراه با صبر است. ظفر کلید دارد، صبر همراهی و استمرار می‌خواهد.

(۲) **اصل:** همراهی مستمر و دائمی با صبر، کلید پیروزی است. قطعاً همراهی صبر، کلید پیروزی است.

(۳) **مهارت:** برای آن که پیروز باشی باید استمرار مستمر داشته باشی.

(۴) **پیروزی کلید چه قفلی است؟** کلید سختی‌ها، ناکامی‌ها، شدت‌ها و گرفتگی‌ها. (ضیق)

(۵) **داستان:** نفس کشیدن برای زندگی لازمه. نفس نکش، می‌تونی کارها تو مثل قبل انجام دهی؟ باید برای کسی که می‌خواهد کار مهارتی کند حتماً حدود ۱۰۰ ساعت مروری بر تصنیف غرر داشته باشد.

۶۳۲۶ مَنْ صَبَرَ فَنَفْسُهُ وَقَرَّ وَبِالثَّوَابِ ظَفِرَ وَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ اطَّاعَ (۵/۳۹۸).

کسی که صبر کند پس آرامش می‌یابد و به ثوابی که خدا به او می‌دهد پیروز می‌شود.

گاهی کسی مشکلی دارد و مشکلش هم حل نمی‌شود ولی صبر می‌کند و آرام می‌گیرد، ثواب به او تعلق می‌گیرد، و خدا را هم اطاعت کرده است.

مقاومت کردن را ظفر می‌داند. ظفر را چیز دیگری نمی‌داند. مهارت‌هایی که تا کنون داشتیم ظفر بعد از صبر بود ولی الان ظفر همان صبر است. مشکلاتی برای انسان به وجود می‌آید، که طبیعی است، ولی وقتی مشکلات استمرار می‌یابد باید چه کار کرد؟ یکی از مشکلاتی که ما انسان‌ها داریم این است که وقتی دچار مسأله‌ای می‌شود، فکر می‌کند که همیشه در آن خواهد بود و از آن خارج نخواهد شد.

۶۳۳۰ مِفْتَاحُ الظَّفَرِ لُزُومُ الصَّبْرِ (۶/۱۳۳).

صبر خودش یک مسأله است، لزوم صبر از آن مهم‌تر است. لزوم از استمرار بالاتر است.

علم صبر می‌آورد ولی کتمان کردن صبر نمی‌آورد. حداقل کاری که کردیم امروز این بود که نهضت نقادیون بود.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات